



حرفی که شخص انگلیسی در دفتر مطالعات وزارت امور خارجه زد که این قطاری است که همه سوار هستند، شما هم سوار شوید. در این اوضاع سردار سلیمانی وارد میدان شد با اعتقاد به اینکه اولاً این یک مسؤولیت شرعی است و مسؤولیت سیاسی نیست که بتوان با آن مماشات کرد؛ یک مسؤولیت شرعی در رأس باقی مسائل است، یعنی جنس این مساله از جنس راهبردهایی نیست که شما بگویید به اقتضای زمان آن را تغییر می‌دهیم، خیر، این یک وظیفه شرعی است. در یکی از اصول قانون اساسی ما آمده قانون اساسی می‌تواند تحت شرایطی مورد بازنگری قرار گیرد به غیر از بازنگری در اصل اسلام و جمهوری. اینجا نظر حاج‌قاسم این بود که مساله فلسطین، مربوط به اصل اسلام است و قابل بازنگری نیست. در کنار نگاه شرعی، اعتقاد سیاسی سردار سلیمانی این بود که آزادی فلسطین با نگاه واقع‌گرایانه هم شدنی است، لذا با این اعتقاد پای کار فلسطین آمد.

در این قسمت باید به پرونده اسرائیل در لبنان و چگونگی اثر این پرونده بر مساله فلسطین و نقشی که حاج‌قاسم در این بین ایفا کرد، اشاره کنم. اسرائیل در ۲ وجه در لبنان حضور داشت: یک وجه اشغالگری و یک وجه استکباری. وجه اشغالگری اینکه بالاخره اسرائیلی‌ها آمده بودند در سال ۱۹۸۲ بخش وسیعی از لبنان را تا شمال بیروت اشغال کرده بودند که باید پس زده می‌شد. یک وجه استکباری هم داشت و آن هم اینکه اشغال اراضی لبنان از سوی اسرائیلی‌ها، علامت استیلا و برتری و یکه‌تازی آنها بود که باعث شده بود بر این طبل بکوبند که ما می‌توانیم و دیگران نمی‌توانند، ما هستیم که تعیین می‌کنیم، ما باید تعیین کنیم، آینده آن چیزی است که ما می‌گوییم. این وجه استکباری قضیه بود به خاطر اینکه اسرائیلی‌ها بسیار راحت لبنان را گرفتند. اشغال لبنان در فضای فتح خرمشهر رخ داد. ایران، خرمشهر را با زحمت بسیار گرفته بود و البته پیروزی خرمشهر پیروزی برجسته‌ای بود که در مسائل منطقه از جمله در لبنان و وضعیت رژیم صهیونیستی اثر داشت اما اسرائیلی‌ها می‌خواستند با گرفتن لبنان فضا را برگردانند. آنها لبنان را که گرفتند می‌خواستند بگویند ایران اگر یک شهر خود را آزاد کرده ما یک کشور را گرفتیم و این چیز مهمی نیست که ایران خرمشهر را آزاد کرده است، تازه ایران شهر خود را آزاد کرده و ما شهر خودمان نبوده، بلکه کشوری را گرفتیم.

از نظر سردار سلیمانی اتفاقاً این پاشنه آشیل اسرائیل هم می‌توانست باشد. یعنی اگر ما بتوانیم اسرائیل را در لبنان شکست دهیم هم اشغالگر را پس زدیم و هم اینکه او را از وضعیت استکباری و اقتدار پایین کشیدیم و این می‌شود نقطه آغاز هزیمت اسرائیل. اگر بتوان لبنان را نجات داد پس فلسطین را هم می‌توان نجات داد. مگر فلسطین اشغالی نیست؟ لبنان هم اشغالی است. یک جای اشغالی را آزاد کردید به چه دلیل نمی‌توان کشور اشغالی دوم را آزاد کرد؟ در این کار یک بعد نرم‌افزارانه اراده و عزم و اعتقاد پشت آن بود. این حرف‌ها را در شرایطی می‌زنیم که اعتقاد به اینکه می‌توان فلسطین را نجات داد حتی در بین خود فلسطینیان هم فرو پاشیده و عرفات با تیم خود به اسلو و مادرید رفته، سلاح را زمین گذاشته و شاخه زیتون را بلند کرده، یعنی فضا به هم ریخته و تازه باید این اعتقاد بازسازی شود؛ لبنان صحنه‌ای بود که باید این اعتقاد بازسازی می‌شد و ورق برمی‌گشت، بنابراین در لبنان کار شروع شد.

در سال اول فرماندهی حاج‌قاسم و نیروی قدس، نخستین پیروزی بر اسرائیل در لبنان به دست آمد؛ سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ اسرائیلی‌ها بیروت، صیدا و استان بعلبک را تخلیه کردند. این نخستین اتفاق سنگینی بود که رخ داد. اتفاق دوم با فاصله کمی در سال ۲۰۰۰ رخ داد؛ اسرائیلی‌ها ناگزیر شدند شهر صور را هم تخلیه کنند و به آن سوی مرز رفتند و تقریباً لبنان را تخلیه کردند، البته مناطقی دست‌شان مانده بود، یک قسمت‌هایی هم در منطقه مارون ال‌رأس و یک نقطه دیگر دست‌شان مانده بود اما می‌توان گفت عملاً اسرائیلی‌ها لبنان را تخلیه کردند. بنابراین اینجا پیروزی به دست آمد. از این مرحله به بعد مذاکرات مادرید و اسلو به حاشیه رفت یعنی صحنه تغییر کرد و عرب‌ها که پای ورق اسلو و مادرید را امضا کرده بودند، عقب‌نشینی کرده و آمدند یک طرح صلح عربی جدیدی دادند که همین اخیراً هم دیدیم ۲ مرتبه سعودی‌ها گفتند ما حاضریم با اسرائیل مذاکره کنیم به شرط اینکه طرح صلح ما را قبول کنند که منظورشان همان طرح صلح بیروت ۲۰۰۲ است.

بنابراین صحنه عربی هم تغییر کرد. یاسر عرفات که پای ورق اسلو و مادرید را امضا کرده و پایان جهاد را اعلام کرده بود، دوباره برگشت و گفت تنها چیزی که بین ما و اسرائیلی‌ها حاکم خواهد بود، سلاح است. ما می‌دانیم اسرائیلی‌ها جز زبان سلاح، زبان دیگری را متوجه نیستند. بعدها گفته شد که به همین خاطر هم اسرائیلی‌ها آمدند در رام‌الله با یک واسطه انگلیسی عرفات را مسموم کردند و همسرش هم گفت که عرفات شهید شده و او را مسموم کردند که

ما هم احتمال می‌دهیم این اتفاق افتاده باشد. به هر حال عرفات هم برگشت. پس از آن بود که گردان‌های فلسطینی شکل گرفتند و امروز فتوحی‌ها دو، سه گردان عملیاتی دارند که اینها خلاف توافقات اسلو و آن چیزی است که عرفات امضا کرده بود. با این فضا یا صحنه تغییر کرد و اعتقادات برگشت و بعد هم با یک فاصله ۵ ساله در فلسطین یک پیروزی بزرگی به دست آمد و آن اینکه اسرائیلی‌ها ناچار شدند از غزه فرار کنند. البته غزه مساحت زیادی ندارد؛ ۳۵۰ یا ۳۸۰ کیلومتر مربع مساحت غزه است اما به هر حال ۷ شهر فلسطینی در همین قطعه جغرافیایی قرار دارد، مثل خان یونس، رفح، شهر غزه، بیت لاهیا و بیت حانون. بنابراین فلسطینی‌ها یک قطعه جغرافیایی پیدا کردند برای اینکه نفسی بکشند. اینکه چرا این قطعه را اسرائیلی‌ها راه کردند به خاطر عملیات‌های پی‌درپی بود که در اینجا علیه اسرائیلی‌ها انجام می‌شد و این صحنه‌ای است که سردار سلیمانی با ارسال سلاح به غزه در آن نقش ویژه‌ای ایفا کرد. یکی از کشتی‌های ارسالی سلاح توقیف شد اما فلسطینی‌ها بعد از توقیف این کشتی (این زمانی است که عرفات هنوز زنده است) گفتند ۴۰ کشتی حامل سلاح از سوی سردار سلیمانی به غزه رفته و این نقش سردار سلیمانی را در آزادسازی غزه نشان می‌دهد که نقش منحصر به فردی بوده است. شارون در جریان همین مساله غزه گفت ما از جهنم غزه فرار کردیم. یکی از مقامات وقت سعودی می‌گوید ای کلش من شب بخوابم و صبح بیدار شوم و بشنوم که غزه را کاملاً آب فرا گرفته یعنی زیر دریا رفته است؛ آنقدر اینها عصبانی بودند و واقعا فرار کردند، یک فرار مفتضحانه‌ای که تجهیزات نظامی خود را هم در غزه جا گذاشتند چون غزه در اشغال آنها بود. بعد از آزادسازی غزه، استراتژی جبهه مقاومت این بود که اسرائیلی‌ها باید دائماً مشغول باشند و نباید یک روز خوش داشته باشند.

#### ■ آزادی غزه دقیقاً چه سالی بود؟

غزه ۲۰۰۵ آزاد شد. این مربوط به حدفاصل سال ۲۰۰۰ است که اسرائیلی‌ها از لبنان کاملاً رفتند تا سال ۲۰۰۵ که اسرائیلی‌ها غزه را هم ترک کردند.

#### ■ درباره استراتژی جبهه مقاومت توضیح می‌دادید.

بله استراتژی این بود که اسرائیلی‌ها به هیچ وجه نباید روز خوش داشته باشند و آرام باشند به خاطر اینکه اساساً اسرائیلی‌ها بر مبنای گرفتن آرامش از دیگران، آرامش خود را تنظیم کرده بودند. یعنی استراتژی اسرائیل این بود که اگر می‌خواهید اسرائیل آرام باشد دیگران باید ناآرام باشند. این استراتژی باید معکوس می‌شد و به خودش برمی‌گشت. استراتژی سردار سلیمانی این شد که اینها نباید یک روز خوش ببینند. اگر می‌خواهیم اینها سر جای خود بنشینند و به تعبیر دیگر اگر می‌خواهیم اینها از نفس بیندازیم، باید مشغول و درگیر باشند، لذا اینجا ۲ تا ۳ استراتژی اتخاذ شد. یک استراتژی این بود که غزه باید کاملاً تجهیز شود. این تجهیز باید در حدی باشد که نه تنها از خودش و از فلسطین دفاع کند، بلکه باید بتواند موجودیت و حیات اسرائیل را تهدید کند. با این استراتژی سازماندهی در غزه، نیروگیری، آموزش، تجهیز و تربیت‌سازی و حل مسائل و مشکلات اینها در دستور کار قرار گرفت.

#### ■ آقای دکتر زارعی؛ سیاست سردار سلیمانی و سپاه قدس درباره کرانه باختری چگونه بود و چرا بیشترین تمرکز ایشان بر منطقه غزه بود؟

به دلیل اینکه جمعیت در غزه از نظر فکری منسجم‌تر بود. مردم منطقه غزه بشدت متدین و پای کار بودند و ضمناً غزه نقطه‌ای بود که می‌شد هم از سمت دریا آن را تجهیز کرد البته با سختی، هم از راه زمینی می‌شد به آنان کمک کرد به این دلیل که پشت غزه صحرای سینا بود و صحرای سینا در کنترل ارتش مصر نبود. بعد از جنگ ۱۹۷۱ بین مصر و اسرائیل معاهده‌ای امضا شده بود که یک رژیم امنیتی خاص است. در این رژیم مصری‌ها نمی‌توانستند در صحرای سینا ارتش داشته باشند و فقط باید نیروی انتظامی می‌داشتند. نیروی انتظامی در یک دشت بسیار وسیعی به نام صحرای سینا که خود لاقال ۴ برابر فلسطین مساحت دارد، این امکان را به فلسطینی‌ها می‌داد که بتوانند از این موقعیت استفاده کنند و استفاده می‌کردند و هنوز هم استفاده می‌کنند. هنوز هم مصری‌ها کنترل درستی ندارند روی صحرای سینا ندارند، اسرائیلی‌ها هم کنترل درستی ندارند به طوری که اخیراً در اسرائیل این بحث مطرح شد که بیا بییم خلاف کمپ دیوید به کشور مصر بگوییم شما می‌توانید ارتش در این ناحیه داشته باشید، یعنی آن قرارداد را اصلاح کنیم، مصر ارتش بفرستد و مصر در قبال این مسائل مسؤول شود که البته مصری‌ها هم زبر بار نمی‌روند به دلیل اینکه چنین چیزی برای آنها هزینه بسیاری دارد و هیچ فایده‌ای هم ندارد؛ مصر فقط هزینه می‌کند و فایده آن برای اسرائیلی‌هاست. ضمن اینکه برای مصری‌ها تحقیرآمیز هم هست، بالاخره در ارتش مصر هم کسانی پیدا می‌شوند که هنوز عقده شکست‌های تاریخی خود



**بعد از مذاکرات اسلو اعتقاد به اینکه می‌توان فلسطین را نجات داد حتی در بین خود فلسطینیان هم فروپاشید و عرفات با تیم خود به اسلو و مادرید رفت، سلاح را زمین گذاشت و شاخه زیتون را بلند کرد، یعنی فضا به هم ریخت و تازه باید این اعتقاد بازسازی می‌شد؛ لبنان صحنه‌ای بود که باید این اعتقاد بازسازی می‌شد و ورق برمی‌گشت، بنابراین حاج‌قاسم کار را در لبنان شروع کرد و به نتیجه رساند**



**نقش سردار سلیمانی در آزادسازی غزه منحصر به فرد بود. شارون در جریان همین مساله غزه گفت ما از جهنم غزه فرار کردیم. یکی از مقامات وقت سعودی می‌گوید ای کاش من شب بخوابم و صبح بیدار شوم و بشنوم که غزه را کاملاً آب فرا گرفته یعنی زیر دریا رفته است؛ آنقدر اینها عصبانی بودند و واقعا فرار کردند، یک فرار مفتضحانه‌ای که تجهیزات نظامی خود را هم در غزه جا گذاشتند چون غزه در اشغال آنها بود. بعد از آزادسازی غزه، استراتژی جبهه مقاومت این بود که اسرائیلی‌ها باید دائماً مشغول باشند و نباید یک روز خوش داشته باشند**

از ارتش اسرائیل را در ذهن داشته باشند و اگر دست‌شان برسد شمشیری در شکم اسرائیلی‌ها می‌کنند. اگر دولت السیسی این پیشنهاد را بپذیرد و بخواهد اجرا کند باید برای هر نیروی نظامی مصری هم یک مراقب بگذارد که نشدنی است، یعنی یک خواسته‌ای است که اسرائیلی‌ها هیچ وقت به آن نخواهند رسید. به هر حال این بحث غزه بود.

اما درباره کرانه باختری، استراتژی جبهه مقاومت این بود که این ناحیه نیز باید مسلح شود. منتها اینجا برخلاف منطقه غزه کار با مواضعی مواجه بود و هست. مانع اول این است که شما از کجا می‌خواهید به اینجا دسترسی داشته باشید، یک طرف اردن است که رژیم اردن دست کمی از رژیم اسرائیل ندارد، باقی هم اسرائیلی‌ها هستند. منطقه کرانه و غزه حدود ۲۲ درصد خاک فلسطینی هستند و ۶ هزار کیلومتر مربع مساحت منطقه کرانه باختری است و ۱۳ شهر مثل الخلیل دارد که مرکز آن در حال حاضر رام‌الله است. این منطقه راه به جایی ندارد و رفت و آمد برای شما در این منطقه ممکن نیست. نکته دوم اینکه در اینجا غیر از ارتش و سرویس امنیتی اسرائیل، پلیس محمود عباس مانند یک پلیس اسرائیلی عمل می‌کند و مساله دیگر اینکه در اینجا شرایط به انسجامی غزه نیست. در غزه مردم مذهبی جهادی هستند، در حالی که در کرانه باختری وضعیت کمی از نظر شرایط اجتماعی متفاوت است و دست آخر هم اینکه برای اسرائیلی‌ها کرانه باختری بسیار حساسیت دارد، برای اینکه کرانه یعنی قدس شرقی، کرانه یعنی منطقه مقدس اسرائیل. می‌دانید که الخلیل -که مسجد حضرت ابراهیم(ع) است- برای ما هم خیلی حساس است. اسرائیلی‌ها اینجا را به عنوان منطقه تاریخی خودشان حساب می‌کنند، منطقه مقدس‌شان هست. فلسطین تاریخی یعنی همین جا، فلسطین که منطقه جدید شمالی نیست، فلسطین شهرهای معروف‌شان عکا، حیفا، یافا و تل‌آویو نیست، فلسطین تاریخی اینها نیستند، فلسطین تاریخی یعنی قدس، الخلیل و رام‌الله. همه حرف اسرائیل این است که شما هر جا را خواستید بگیرید ولی این شهرها را نگیرید. تل‌آویو تاریخ ندارد و یک شهر جدیدی است که ساخته شده است، بنابراین اسرائیلی‌ها بشدت مراقب مناطق مقدس‌شان هستند.

#### ■ استراتژی جبهه مقاومت برای این مناطق چیست؟

ما در آنجا ۳ نقطه اتکا داریم. یک نقطه اتکا این است که منتظریم از سمت ۴/۵ میلیون فلسطینی ساکن اردن تحرکی صورت گیرد. در حال حاضر ۶۰ درصد جمعیت اردن، فلسطینی است و ۴۰ درصد جمعیت‌شان اردنی است. فلسطینی‌های ساکن اردن در یک وضعیت یفرنج به سر می‌برند. اینها هم از داخل و هم از خارج تحقیر می‌شوند. ما منتظریم که شرایط به جایی برسد که اینها تکانی بخورند. در جنگ اخیر که در رمضان اتفاق افتاد و فلسطینی‌ها نام آن را «سیف‌القدس» گذاشتند، ساکنان اردن تکانی خوردند و یک نفر هم شهید دادند و سمت مرز آمدند. مطمئن هستیم که این نقطه روزی منفجر می‌شود، حالا این انفجار یا به شکل تغییر رژیم در اردن اتفاق می‌افتد و یک رژیم فلسطین محور جای رژیم ملک عبدالله را می‌گیرد یا اینکه به شکل فشار بر حکومت اردن و تغییر در سیاست اردن اتفاق می‌افتد. در آن سمت کرانه باختری یکی از این ۲ اتفاق حتماً می‌افتد.

نقطه دوم اتکای ما این است که به‌رغم اینکه درباره حاکمیت اسرائیل بر آن ۷۸ درصد سرزمین‌های ۱۹۴۸ هم‌امام و اگرهایی وجود دارد ولیکن درباره منطقه ۱۹۶۷ خیلی بحث‌ها روشن است، یعنی هیچ کسی در دنیا از حاکمیت اسرائیل بر ۱۹۶۷ حمایت نمی‌کند. این موضوع هیچ مشروعیتی ندارد و در داخل خود اسرائیل هم این یک موضوع مورد اختلاف است، بنابراین اینجا هر کاری صورت گیرد مشروعیت دارد و می‌توان با این عنصر مشروعیت، با روس‌ها، چینی‌ها و اروپایی‌ها صحبت کرد. این کار زمینه دارد.

سومین نقطه اتکا هم این است که امروز تسلیح کرانه لزوماً نیاز به اقدامات از بیرون ندارد. شما الان با همین سیستم‌های رایانه، کامپیوتر و شبکه‌های اجتماعی می‌توانید در کرانه باختری، کرانه‌های‌ها را به سمت تولید سلاح سوق دهید و کافی است آموزش دهید. الان هم ساخت سلاح امکانات پیچیده‌ای نمی‌خواهد، شما خرج موشک را می‌توانید از محصولات کشاورزی هم به دست آورید. یعنی یکسری کالاهایی که مصرف کشاورزی دارد، همان مصرف نظامی هم دارد. کود و اوره و چیزهایی که از دل زمین بیرون می‌آیند و محصولات صنعتی و شیمیایی داخل زمین است، اینها چیزهایی است که به این سمت می‌رود. کما اینکه علامت‌هایی از این مساله وجود دارد که سرویس اطلاعاتی اسرائیل بسیار حساس است و دارد آن را پیگیری می‌کند، ولی این چیزی است که در شرایطی که اوضاع خیلی شلوغ شود خیلی هم نمی‌شود کنترل کرد. یعنی کافی است کمی اوضاع بهم بخورد، اینها مسائلی است که در این صحنه باید در نظر گرفت.